

پایگاه اطلاع رسانی  
حضرت آیت الله سید محمد حسین قزوینی



تعداد بازدید: 1765

تاریخ انتشار: ۲۷ خرداد ۱۳۹۵ - ۱۶:۳۰

کد مطلب: ۹۴۳۱

مقالات « عمومی

مروری بر زندگانی ام المؤمنین، حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها

برگی از زندگانی زوجة الرسول صلی الله علیه و آله، ام الزهراء سلام الله علیها، حضرت

خدیجه کبری صلوات الله و سلامه علیها

### خدیجه دختر خویلد سلام الله علیها

ایشان از قبیله بنی اسد است که یکی از قبایل قریش بود. نام مادرش فاطمه بود. (آنقدر

حضرت خدیجه پاک بود که) در زمان جاهلیت او را طاهره می خواندند.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة في تمييز

الصحابة، ج7، ص600، رقم 11086، تحقیق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجیل - بیروت، الطبعة:

الأولى، 1412هـ - 1992م.

عایشه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت به یاد خدیجه می افتاد به مدح و

ثناي او می پرداخت و برایش استغفار می نمود؛ یکی از روزها که آن حضرت به مدح او پرداخت،

از روی حسادت گفتم: خداوند بجای آن زن سالخورده، زنی دیگر نصیب تو کرده است! در این

هنگام دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت غضبناک شد . . . و فرمود: چگونه این

حرفها را می زنی در حالیکه او به من ایمان آورد وقتی همه مردم کافر بودند، ملجأ و پناه من بود

وقتی که مردمان مرا از خود راندند، نبوت مرا تصدیق نمود وقتی که مردم مرا تکذیب می کردند و

خداوند از وی فرزند روزی من نمود در حالی که شما را از آن محروم نمود.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج16،

ص12، باب 5: تزوجه صلی الله علیه و آله بخدیجة رضي الله عنها و فضائلها و بعض أحوالها، تحقیق:

محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، 1403هـ - 1983م.

و به همین مضمون در :

الشيبياني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 6 ص 117 ، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

ذهبي در فضایل ایشان مي نويسد:

وي بانويي فهميم، بزرگوار، ديندار، پاکدامن، بخشنده و اهل بهشت بود و از هر جهتي زني کامل و شايسته بود و پیامبر اکرم صلي الله عليه وآله همیشه به مدح و ثنای او مي پرداخت و او را بر سایر همسرانش برتر مي داد و او را بسيار گرامي مي داشت به حدي که عايشه مي گويد: به هيچ زني به اندازه (حضرت) خديجه حسد نمي ورزيدم چرا که رسول خدا صلي الله عليه وآله (حضرت) خديجه را بسيار بزرگ مي داشت. در کرامت ایشان همین بس که رسول خدا صلي الله عليه وآله چه قبل از او و چه در زمان حيات او با هيچ زني ازدواج ننمود و کنيزي هم نداشت و بعد از وفات ایشان، آن حضرت کنيز گرفت، براستي (حضرت) خديجه بهترين همنشين و مونس پیامبر اکرم صلي الله عليه وآله بود و اموال خود را در اعتلای اسلام انفاق نمود... (و در پاكي و تقوا حضرت خديجه به درجه اي رسيد که) خداوند و جبرئيل به ایشان سلام رساندند و خداوند به حضرتش امر نمود که خديجه را به خانه اي در بهشت که محل امن و آرامش باشد، بشارت دهد.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 2، ص 113، ذيل ترجمه أم المؤمنين خديجة، رقم 16، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

ذهبي بعد از اين نقل مينويسد:

متفق على صحته.

علما بر صحت اين نقل اتفاق نظر دارند.

و در روايات ديگر چنين آمده است:

... عن علي بن أبي طالب رضي الله عنهم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال خير

## نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجة.

رسول خاتم صلی الله علیه وآله فرمود: بهترین زنان دو عالم حضرت مریم و حضرت خدیجه میباشند.

البخاری الجعفی، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (متوفای 256هـ)، صحیح البخاری، ج 3، ص 1388، باب: تَزْوِیجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، ح 3604، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987. در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

« . . . فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل نساء الجنة أربع : خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد، ومريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم امرأة فرعون».

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: بهترین زنان بهشتی چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه وآله و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای 381هـ)، الخصال، ص 206، باب: أفضل نساء أهل الجنة أربع، ح 22، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ 1403 - 1362. الشيباني، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای 241هـ)، مسند أحمد بن حنبل، ج 1 ص 322، ناشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفای 764هـ)، الوافي بالوفيات، ج 13 ص 181، تحقیق أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - 1420هـ - 2000م.

## آیا حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه وآله همسر دیگری داشت؟

یکی از مسایل مهمی که در مورد دوران قبل از ازدواج حضرت خدیجه سلام الله علیها با رسول خدا صلی الله علیه وآله مطرح است، بحث ازدواج های ایشان قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله است. عقیده رایج مورخین این است که ایشان قبل از رسول اکرم صلی الله علیه وآله

با دو نفر به نامهای «عتیق بن عائذ بن عبد الله المخزومی، و أبو هالة التمیمی»، ازدواج نموده و حتی فرزندان نیز به دنیا آورده است و (به ادعای عایشه) تنها باکره ای که رسول خدا صلی الله علیه وآله با او ازدواج نمود، عایشه می باشد!

اما با بررسی دقیق به این نتیجه می رسیم که علی رغم شهرت مطلب فوق در میان مورخین، این مسأله قابل تردید است؛ به این بیان که تنها باکره ای که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله با او ازدواج نمود، نه تنها عایشه نبود بلکه پخش شدن این مطلب در بسیاری از کتب تاریخی کار حکومتها و سیاستمداران بوده است که با بالا بردن عایشه با حربه های مختلف و تافتهی جدا ساختن از او و بزرگ نمودن وی، خواستهاند به اهداف شوم خود در مقابله با اهل بیت علیهم السلام برسند، که عطایا و هدایای ویژه حکومت ها برای عایشه و جنگ جمل و دیگر فتنه های او، شاهدهی بر این مدعاست.

از آنجایی که بنای ما بر اختصار است در این مجال از اختلافاتی که در مورد نام ابی هاله وجود دارد صرفنظر می نماییم؛ «که آیا نامش شماس (1) بوده و یا نباش بن زراره بوده و یا عکس آن (2) و یا نامش بن زراره (3) ؟ و یا زرارة بن ساس الأسدی (4) و یا اسمش هند بن زراره (5) است یا مالک بن زرارة (6) ؟ و یا مالک بن مرارة (7) و یا مالک بن نباش بن زرارة (8) ؟ و آیا حضرت خدیجه ابتدا با او ازدواج کرده یا با عتیق؟ (9) و آیا جزء اصحاب رسول خداست با خیر (10) ؟ آیا هند که به گفته برخی مورخین فرزند خدیجه است، فرزند ابی هاله (11) است یا عتیق، و یا هر دوی آنها فرزندی به نام هند داشتهاند (12) ؟

رک:

1. المقریزی، تقی الدین أحمد بن علی بن عبد القادر بن محمد (متوفای 845 هـ)، إمتاع الأسماع بما للنبي صلی الله علیه وسلم من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، ج6، ص 295، فصل في ذكر من كان في حجر رسول الله صلی الله علیه وسلم من أولاد نسائه ، تحقیق وتعلیق محمد عبد الحمید النمیسسی، ناشر: منشورات محمد علی بیضون دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة الأولى، 1420 هـ - 1999 م .

2. ابن شهر آشوب، رشید الدین أبی عبد الله محمد بن علی السروی المازندرانی (متوفای 588 هـ)، مناقب آل أبی طالب، ج1، ص 137، فصل في أقربائه و خدامه ، تحقیق: لجنة من

أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1376هـ - 1956م.

3. المدني الشيرازي، السيد علي خان، (متوفى: 1120هـ)، الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة، ص 407، شرح حال: هند بن أبي هالة التميمي، تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات مكتبة بصيرتي - قم - 1397 هـ.

4. التميمي المغربي، أبي حنيفة النعمان بن محمد (متوفى: 363 هـ)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، ج3، ص 15. خديجة الكبرى عليها السلام و فضائلها، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجلاي، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الثانية، 1414 هـ.

5. أحمد بن محمد بن محمد بن محمد الشمني، مزيل الخفاء عن ألفاظ الشفاء (حاسيه بر كتاب: الشفاء بتعريف حقوق المصطفى - قاضي عياض -)، ص58، ناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، سال چاپ: 1409 - 1988م.

6. المدني الشيرازي، السيد علي خان، (متوفى: 1120هـ)، الدرجات الرفيعة في طبقات الشيعة، ص 407، شرح حال: هند بن أبي هالة التميمي، تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات مكتبة بصيرتي - قم - 1397 هـ.

7. العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى: 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج5، ص 556، شرح حال: مالك بن مرارة، رقم: 7701، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م.

8. الذهبي الشافعي، شمس الدين ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى: 748 هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج3، ص535، حوادث سال36، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ - 1987م.

9. البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفى: 279هـ)، أنساب الأشراف، باب: أزواج رسول الله و ولده، طبق برنامہ الجامع الكبير.

ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابوعمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفى: 463هـ)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج4، 1817، شرح حال خديجة بنت خويلد، رقم 3311، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ.

نکته:

ابن عبدالبر به نقل از جرجانی نسابه میگوید: حضرت خدیجه ابتدا با ابوهاله ازدواج نموده بود و بعد از او با عتیق ازدواج کرد و بعد از عتیق با رسول خدا ازدواج نمودند اما در برخی منابع دیگر آمده است که اول حضرت خدیجه با عتیق ازدواج کرده بودند و بعد از او با ابوهاله ازدواج کردند و بعد از ابوهاله با رسول خدا ازدواج نمودند.

الخزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي (متوفای 400هـ)، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص 330، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمری الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، 140 هـ .

التميمي المغربي، أبي حنيفة النعمان بن محمد (متوفای 363 هـ)، شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار، ج 3، ص 15، خديجة الكبرى عليها السلام و فضائلها، تحقيق: السيد محمد الحسيني الجلالی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الثانية، 1414 هـ.

10 . العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج 6، ص 328، شرح حال: نباش بن زرارة، رقم: 8695، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ - 1992 م.

11 . المقرئزي، تقی الدين أحمد بن علي بن عبد القادر بن محمد (متوفای 845 هـ)، إمتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه وسلم من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، ج 6، ص 27، (به نقل از حافظ ابن حزم)، فصل في ذكر من كان في حجر رسول الله صلى الله عليه وسلم من أولاد نسائه، تحقيق وتعليق محمد عبد الحميد النميسي، ناشر: منشورات محمد علي بيضون دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، 1420 هـ - 1999 م .

12 . البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفای 279هـ)، أنساب الأشراف، ب: أزواج رسول الله و ولده ؛ محمد بن جرير الطبري، المنتخب من ذيل المذيل، ص 86، باب: ذكر تأريخ النساء اللواتي أسلمن على عند رسول الله صلى الله عليه وسلم، ذكر من هلك منهن قبل الهجرة، طبق برنامہ الجامع الكبير.

و اگر فرزند عتیق باشد دختر است زیرا برخی معتقدند هند دختر عتیق با صیفي بن عائد ازدواج نمود و محمد بن صیفي حاصل این ازدواج بود (1) ، و اگر فرزند ابي هاله باشد، یا دختر

(2) بوده یا پسر (3) و اگر پسر بوده، آیا در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شده است (4) و یا در صفین و نهروان نیز شرکت داشته است؟ (5) و یا با بیماری طاعون در بصره از دنیا رفته است (6)؟».

1. العسکری، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران (متوفای 395هـ)، الأوائیل للعسکری، ج1، ص 159، طبق برنامه الجامع الكبير.

الزبیری، ابوعبد الله المصعب بن عبد الله بن المصعب (متوفای 236هـ)، نسب قریش، ج1، ص 22، تحقیق: لیفی بروفسال، القاهرة، ناشر: دار المعارف.

**نکته:** هند را پسر عتیق می داند - البته زبیر بن بکار این نقل بدون سند نقل میکند.

ابن اثیر الجزری، عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد (متوفای 630هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج5، ص 99، ترجمه محمد بن صیفي، رقم 4728، تحقیق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

2. ابن شهر آشوب، رشید الدین أبی عبد الله محمد بن علی السروي المازندرانی (متوفای 588هـ)، مناقب آل أبي طالب، ج1، ص 123، فصل في ما ظهر من معجزاته بعد وفاته، تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1376هـ - 1956م.

ابن اثیر الجزری، عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد (متوفای 630هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج5، ص 434، شرح حال (حضرت) خديجة بنت خويلد، ترجمه محمد بن صیفي، رقم 4728، تحقیق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفای 310)، تاريخ الطبري، ج2، ص 411، باب: ذكر الخبر عن أزواج رسول الله صلى الله عليه وسلم ومن منهن عاش بعده ومن منهن فارقه في حياته والسبب الذي فارقه من أجله ومن منهن مات قبله، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.

3. العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج6، ص 557، ذیل ترجمه هند بن أبي هالة، رقم 9013، تحقیق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م.

4 . العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج6، ص 557، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م.

5. العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تهذيب التهذيب، ج11، ص 64، شرح حال: هند بن أبي هالة، رقم 111، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404 - 1984 م.

6. الأنصاري القرطبي، ابوعبد الله محمد بن أحمد (متوفى 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج14، ص 164، ذيل آية 28 سورة احزاب، ناشر: دار الشعب - القاهرة.  
الحلبي، علي بن برهان الدين (متوفى 1044هـ)، السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون، ج1، ص 229، باب: سفره صلي الله عليه (و آله) وسلم إلى الشام ثانياً، ناشر: دار المعرفة - بيروت - 1400.

و به ذکر دلایلی در اثبات عدم ازدواج حضرت خدیجه قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه وآله ، می پردازیم:

### **دلایل عدم ازدواج حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از پیامبر صلی الله علیه وآله**

1- طبق نقل برخی از مورخین اهل تسنن همچون اسماعیل بن محمد بن فضل التمیمی اصبهانی، حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، باکره بوده است. چنانچه او در جریان پیشنهاد حضرت ابوطالب علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه وآله برای همکاری با حضرت خدیجه سلام الله علیها در امور تجاری، می نویسد:

لما بلغ رسول الله صلى الله عليه وسلم خمسا وعشرين سنة وليس له بمكة اسم إلا الأمين لما تكاملت فيه خصال الخير قال له أبو طالب يا ابن أخي أنا رجل لا مال لي وقد اشتد الزمان علينا وألحت علينا سنون منكرة وليست لنا مادة ولا تجارة و هذه غير قومك قد حضر خروجها إلى الشام وخديجة بنت خويلد تبعث رجالا من قومك في عيرانها فيتجرون لها في مالها فيصيبون منافع فلو جئتها فعرضت نفسك عليها لأسرعت إليك وفضلتك على غيرك لما يبلغها من طهارتك وأني كنت أكره أن تأتي الشام وأخاف عليك من اليهود ولكن لا نجد من ذلك بدا وكانت



خديجة امرأة باكرة ذات شرف ومال كثير وتجارة تبعث بها إلى الشام فتكون غيرها كعامه عير  
قريش تستأجر الرجل وتدفع المال مضاربة... .

«زمانی که رسول خدا در تجارت به 25 سالگی رسید در مکه برای ایشان اسمی غیر از  
امین نبود (همگی ایشان را امین لقب داده بودند). زمانی که خصلت های نیکو در او به کمال  
رسید (حضرت) ابوطالب به آن حضرت عرضه داشت: ای پسر برادر من مردی هستم که اموالی  
ندارم و زمان بر ما سخت گرفته و ما سالهای دشواری را می گذرانیم و سرمایه و تجارتي نیز  
نداریم و این قافله قوم توست که وقت خروجشان به سوی شام رسیده است. خدیجه دختر  
خویلد مردانی از قوم تو را در قافله (تجاری خود) به شام می فرستد که برایش تجارت کنند و  
منافعی را نیز برای خودشان به دست بیاورند. اگر تو نیز به او پیشنهاد همکاری بدهی به  
سرعت با تو همکاری می کند و تو را بر دیگران برتری می دهد و مقدم میکند زیرا از پاکي و  
امانت داری تو خبر دارد. من کراهت دارم که تو به شام بروی زیرا از فتنه یهود نسبت به تو  
هراسانم ولیکن چاره ای غیر از این نداریم. خدیجه بانویی باکره و شرافتمند و ثروتمند و اهل  
تجارت است، وی کاروان تجاری به شام می فرستد و کاروان تجاری او مانند بقیه کاروانهای  
تجاری قریش با مردان قرارداد مضاربه میکنند... .

الأصبهاني، أبو القاسم اسماعيل بن محمد بن الفضل التيمي (متوفى 535هـ)، دلائل النبوة، ص  
178، تحقيق: محمد محمد الحداد، ناشر: دار طيبة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1409هـ.

2- مورخانی همچون ابن شهرآشوب و ابن حاتم عاملی به نقل از بلاذری و أبو القاسم

کوفی، و سید مرتضی، و أبو جعفر مینویسند:

أن النبي صلى الله عليه وآله تزوج بها، وكانت عذراء

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وقتی با حضرت خدیجه ازدواج نمود، ایشان باکره بود.

علاوه براین در کتابهای الأنوار و البدع آمده است:

أن رقية وزينب كانتا ابنتي هالة أخت خديجة

رقیه و زینب فرزندان هاله خواهر حضرت خدیجه بودند.

ابن شهرآشوب، رشید الدین أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفى 588هـ)،

مناقب آل أبي طالب، مناقب آل أبي طالب، ج1، ص 138، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف،

ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1376هـ - 1956م.

العاملی، الشیخ جمال الدین یوسف بن حاتم بن فوز (متوفای 664هـ)، الدر النظیم، ص 185، باب: فصل فی ذکر أزواجه، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم المشرفة، بی تا.

3 - مرحوم ابوالقاسم کوفی در کتاب «الإستغاثة» چنین میفرماید:

طبق روایت صحیح از اهل بیت علیهم السلام حضرت خدیجه سلام الله علیها خاوهري (از مادرش) به نام هاله (1) داشت که با مردی از قبیله بنی مخزوم (عتیق بن عائذ) ازدواج نمود، حاصل این ازدواج دختری به نام هاله بود، بعد از عتیق، هاله خواهر حضرت خدیجه با مردی از قبیله بنی تمیم به نام ابوهند ازدواج نمود و پسری به نام هند به دنیا آورد. مرد تمیمی از همسر قبلی خود که فوت نموده بود، دو دختر به نام زینب و رقیه داشت. بعد از مدتی مرد تمیمی (ابوهند) نیز از دنیا رفت، پسرش هند که بالغ شده بود به قبیله پدری خود پیوست، اما زینب و رقیه دو فرزند همسر قبلی ابوهند که دو طفل کوچک بودند در دامان هاله خواهر حضرت خدیجه به زندگی خود ادامه دادند که این امر در ابتدای ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با حضرت خدیجه بود، از طرفی هاله زنی فقیر بود و خواهرش خدیجه بانویی ثروتمند و به کثرت اموال شهرت داشت از این رو به حمایت مالی از خواهر و دو فرزند تحت پوشش پرداخت و آنها را تحت تکفل خود گرفت، با گذشت مدت اندکی از ازدواج رسول خدا صلی الله علیه وآله و حضرت خدیجه سلام الله علیها، هاله از دنیا رفت و زینب و رقیه در دامان پیامبر رحمت صلی الله علیه وآله و أم المؤمنین خدیجه به زندگی خود ادامه دادند و تحت تربیت رحمة للعالمین قرار گرفتند. از طرفی سنت عرب در آن زمان این بود که هر کسی یتیمی را تحت حمایت خود بگیرد و او را بزرگ کند، آن یتیم را به وی نسبت می دادند و او را فرزندش می خواندند... و وقتی که پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حضرت خدیجه صلی الله علیه وآله به تربیت رقیه و زینب (فرزندان همسر قبلی) ابوهاله پرداختند، عرب این دو فرزند را به حضرت خدیجه و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نسبت داده و آنان را در زمره فرزندان این دو بزرگوار برشمردند.

الکوفی، أبي القاسم علي بن أحمد بن موسى (متوفای 352هـ)، الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ج 1،

ص 68- 69، طبق برنامه مکتبه اهل البیت علیهم السلام.

ابن اثیر به نقل از حاکم نیشابوری مینویسد:

والصحيح عندي هالة أخت خديجة بنت خويلد وهي هالة بنت خويلد أم أبي العاص.

قول صحيح نزد من این است که هاله خواهر خدیجه دختر خویلد است. بنابراین وی نیز

تصریح میکند که حضرت خدیجه خواهری به نام هاله داشته است.

ابن أثير الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفى 630هـ)، أسد الغابة في

معرفة الصحابة، ج5، ص 50، ترجمه هاله بن أبي هاله التميمي، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي،

ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

**قرائن دیگر مبنی بر عدم ازدواج حضرت خدیجه سلام الله علیها قبل از پیامبر صلی**

**الله علیه وآله**

علاوه بر این دلایل، مؤیداتی نیز مبنی بر عدم ازدواج حضرت خدیجه با ابوهاله وجود دارد که

در اینجا از نظر خوانندگان میگذرانیم:

1- ابوالقاسم کوفی می گوید:

تمامی علما و مورخین اسلام اجماع دارند بر اینکه تمامی اشراف و بزرگان قریش از حضرت

خدیجه خواستگاری نمودند (و آرزوی چنین همسری را داشتند) اما حضرت خدیجه به تمامی آنان

پاسخ منفی داد و زمانی که رسول خدا صلی الله علیه وآله با ایشان ازدواج نمود، همه زنان

قریش بر او غضبناک شده و رهایش نمودند و گفتند: اشراف و بزرگان قریش از تو خواستگاری

کردند ولی با هیچ کدام ازدواج نکردی و یتیم ابوطالب (حضرت) محمد را که فقیر و بدون سرمایه

بود به همسری پذیرفتی؟! حال کدام صاحب و اندیشه و خرد می پذیرد که حضرت خدیجه

درخواست ازدواج تمامی اشراف و بزرگان قریش را رد نموده باشد و با یک عرب صحرانشین از

قبیله تمیم ازدواج کرده باشد! آیا عقلای عالم نمی دانند که محال بودن چنین کاری بسیار واضح

و روشن است و نسبت دادن چنین عملی به ایشان که به عقل و خرد مشهور بود از زشت ترین

گفتارهاست.

الكوفي، أبي القاسم علي بن أحمد بن موسى (متوفى 352هـ)، الاستغاثة في بدع الثلاثة، ج1،

ص70، طبق برنامه مکتبه اهل البيت عليهم السلام.

الصحيح من سيرة النبي الأعظم، السيد جعفر مرتضي العاملي، ج2، ص 124، باب: هل تزوجت خديجة بأحد قبل النبي؟!..

2- از طرفي در تاريخ از سرزنش و شماتت بزرگان قريش مخصوصا كساني كه به خواستگاري (حضرت) خديجه آمده بودند، نسبت به ازدواج حضرت خديجه با اعرابي از قبيله بني تميم «و يا ازدواج با عتيق بن عائد»، هيچ اثري يافت نمي شود!  
رك: السيد جعفر مرتضي، العاملي، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ج2، ص 124.  
(اقتباس)

اين مسأله نشان دهنده اين است كه يا «ابوهاله» و «عتيق» موقعيت مالي بهتري از پیامبر داشته‌اند؟ و يا قبيله ابوهاله از قبيله پیامبر برتر بوده است؟! و يا اصلا ازدواجي ميان حضرت خديجه و ابوهاله صورت نگرفته است كه اعتراض به دنبال داشته باشد.  
تاريخ در مورد فرض اول، ساكت است و چيزي درباره اموال ابوهاله و عتيق ذكر نكرده است (1) علاوه بر اينكه بر فرض كه ابوهاله و يا عتيق اموال بسياري نيز داشته باشند، اولاً: چه دليلي دارد حضرت خديجه آنها را براي همسري پذيرفته باشند اما ثروتمندان ديگر را رد کرده باشند  
ثانياً: ايشان خود فردي متمول بود و نيازي به پول و ماديات نداشت و از نظر اخلاقي آنقدر والامقام بود كه در دوران جاهليت به «طاهره» مشهور شده بود از اين رو به دنبال دنيا طلبي نبود و تنها به صدق و پاكي و عفت و ارزشهاي اخلاقي فكر ميكرد كه آنها را در وجود مقدس حضرت محمد يافته بود از اين رو با ايشان ازدواج نمود. (2)

در مورد فرض دوم نيز به ضرورت تاريخ، اگر قبيله قريش از قبيله بني تميم برتر نباشد، از اين قبيله پائينتر نيست، و قبيله بني تميم از قبيله قريش بالاتر نيست.  
بنابراين با توجه به ترديدي كه نسبت به دو فرض مذكور وجود دارد، فرض سوم يعني عدم ازدواج حضرت خديجه با ابوهاله و عتيق، متعين ميگردد.

1. علي رغم جستجوي فراوان در تاريخ، چيزي در مورد دارايي «ابوهاله و عتيق» نيافتم. برخي از مورخين معاصر نيز همانند مرحوم حاج شيخ عباس قمي (در منتهي الامال) كه گفته‌اند «خديجه از مال خويش و شوهران ثروتي عظيم به دست آورد» مدركي ارائه نداده‌اند و فقط صرف ادعايي بدون دليل است.

برخی نیز از آنجایی که برای این مطلب مدرکی نیافتند، اینگونه تعبیر کرده‌اند:

ثم تزوجها أبو هالة هند بن زرارة ... والظاهر أنه خلف لها ثروة عظيمة وكانت هي ذات ثروة وافرة.

ابو هالة هند بن زرارة با خدیجه ازدواج کرد ... و ظاهرا برای او ثروت عظیمی به جای گذاشت و حضرت خدیجه نیز خود دارای ثروتی فراوان بود.

زينب فواز (المتوفى: 1332هـ)، (اخبار النساء المسمي بـ) الدر المنثور في طبقات ربات الخدور، ص 323. ناشر: المطبعة الكبرى الأميرية، مصر، چاپ: اول، سال چاپ: 1312 هـ.

2. مشابه این تحلیل را «علي نايف الشحود» - یکی از علمای وهابی - نیز ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد:

رفضت الزواج من قومها الأغنياء رفضا طبيعيا لأنها غنية ولا تريد المال. بل تريد الصدق والطهارة العفة ومكارم الأخلاق التي وجدتها في سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم.

اینکه حضرت خدیجه اقوام خود را که افراد متمولی بودند و از ایشان خواستگاری کرده بودند، رد نمود، امری طبیعی است زیرا ایشان خود از نظر مادی فردی بی نیاز بود و به دنبال مال نبود بلکه به دنبال صدق و پاکی و پاکدامنی و ارزشهای اخلاقی بود که همه را در وجود پیامبر اکرم یافته بود.

علي بن نايف الشحود، المفصل في فقه الدعوة إلى الله تعالى، ج10، ص152. طبق نرم افزار المكتبة الشاملة.

## **حضرت خدیجه سلام الله علیها به دستور خداوند در انتظار ازدواج با رسول رحمت صلی الله علیه وآله بود**

در تاریخ قرائنی وجود دارد که با کنار هم قرار دادن آنها، این نکته به دست می‌آید که حضرت خدیجه در انتظار ظهور پیامبر آخرالزمان و ازدواج با ایشان بوده است، که در ادامه به ذکر آن می‌پردازیم

ابن حجر عسقلانی به نقل از محمد بن سعد چنین می‌نویسد:

... عن بن عباس أن نساء أهل مكة اجتمعن في عيد لهن في الجاهلية فتمثل لهن رجل

فلما قرب نادى بأعلى صوته: يا نساء مكة إنه سيكون في بلدكن نبي يقال له أحمد فمن استطاع منكن أن تكون زوجاً له فلتفعل فحصبه إلا خديجة فإنها عضت على قوله ولم تعرض له. ابن عباس میگوید: زنان قریش در زمان جاهلیت در یکی از اعیاد خود (برای انجام مراسم عید) جمع شده بودند، در این زمان مردی در مقابل آنها ظاهر گشت، وقتی به آنان نزدیک شد، با صدای بسیار بلند ندا داد: ای زنان مکه در آینده پیامبری میآید که احمد نام دارد، هر کدام از شما میتواند همسر او شود، این کار را انجام دهد. زنان قریش او را با سنگریزه زدند اما (حضرت) خدیجه شکیبایی به خرج داده و متعرض او نشد.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج7، ص 601، حرف الخاء المعجمة، شرح حال حضرت خدیجه، رقم 11086، تحقیق: علی محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992م.

در نقل دیگری، ذیل روایت چنین نقل شده است:

... عن سعيد بن جبیر قال: اجتمعت نساء قریش في عيد لهن فجاءهن يهودي فقال: يوشك أن يبعث فيكن نبي فأبتكن استطاعت أن تكون له أرضاً يطؤها فلتفعل فشتمنه وطرده، و وقر ذلك في صدر خديجة.....

زنان قریش در زمان جاهلیت در یکی از اعیاد خود (برای انجام مراسم عید) جمع شده بودند، در این زمان مردی یهودی و گفت ای زنان مکه در آینده بین شما پیامبری میآید، هر کدام از شما میتواند همسر او شود، این کار را انجام دهد. زنان قریش به او ناسزا گفتند و طردش کردند اما کلام آن مرد در وجود (حضرت) خدیجه جای گرفت.

ابي هلال العسكري، الاوائل ، ج1، ص28. بر اساس نرم افزار المكتبة الشاملة.

ممکن است فردی دو اشکال به این نقل وارد نماید:

1- در این نقل، عبارت «فجاءهن يهودي» آمده است و به این معنی است که فردی یهودی بشارت به ظهور پیامبر خاتم داد، اما با توجه به توطئه‌های یهود علیه شخص پیامبر و آئین نورانی ایشان، نمیتوان پذیرفت که فردی یهودی بشارت به ظهور پیامبر بدهد، بنابراین این نقل قابل قبول نیست.

2- شما در متن گفتید: «این نقل از نظر زمانی مطلق است، بنابراین احتمال دارد سالهای

زیادی قبل از بعثت پیامبر اکرم، آن فرد از ظهور پیامبر آخر الزمان خبر داده باشد». اما این عبارت شما با کلمه «یوشک» که در متن روایت فوق آمده است «یوشک أن یبعث» سازگاری ندارد زیرا «یوشک» از افعال مقاربه است و دلالت بر «شروع» میکند به این معنا که ظهور پیامبر بسیار نزدیک است و این مطلب با ادعای شما مبنی بر اطلاق زمانی، سازگاری ندارد.

در پاسخ به اشکال نخست، عرض میکنیم: توطئه‌های برخی از یهودیان علیه پیامبر اکرم، غیر قابل انکار است اما این مطلب با اشتیاق داشتن برخی دیگر از یهودیان به ظهور پیامبر آخر الزمان و پیشگویی نمودن از آن و ایمان آوردن به ایشان، منافاتی ندارد چنانچه دقت در آیات قرآن و کنکاش در تاریخ، از این حقیقت پرده برمیدارد: قرآن کریم وقتی از ایمان آوردن یهودیان به پیامبر اکرم سخن به میان میآورد، میفرماید:

«فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ» پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند، و برخی از ایشان از او روی برتافتند» (سوره نساء، آیه 55). مفسرین زیادی تصریح نموده‌اند که مقصود از این آیه یهودیان هستند که به ذکر برخی از آنان اکتفا میکنیم:

طبری به نقل از مجاهد مینویسد:

عن مجاهد : ( فمَنهم من آمن به ) قال : بما أنزل علی محمد من یهود \* ( ومنهم من صد عنه ).

مجاهد گفته است: برخی از یهودیان به آنچه بر حضرت محمد نازل شده بود، ایمان آوردند برخی نیز از او رو برگرداندند (و بر کفر خود باقی ماندند).

الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب (متوفای 310)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، ج 5، ص 196، ذیل آیه 55 سوره نساء، ناشر: دار الفکر، بیروت - 1405هـ.

ابن ابی حاتم رازی، زمخشری و مفسرین دیگر نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند:

الرازي، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس (معروف به ابن ابی حاتم)، (متوفای 327هـ)، تفسیر القرآن، ج 3، ص 981، ذیل آیه 55 سوره نساء، تحقیق: أسعد محمد الطیب، دار النشر: المكتبة العصرية - صیدا، طبق برنامه الجامع الكبير.

الزمخشری الخوارزمي، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد جار الله (متوفای 538هـ)، الکشاف عن حقائق التنزيل وعیون الأقاویل في وجوه التأویل، ص 534، ذیل آیه 55 سوره نساء، تحقیق: عبد

الرزاق المهدي، بيروت، ناشر: دار إحياء التراث العربي.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى 911هـ)، الدر المنثور، ج2، ص173، ذيل آيه 55 سورة نساء ، ناشر: دار الفكر - بيروت - 1993.

...و

علاوه براینکه، تتبع دقیق در تاریخ، نشان دهنده پیشگویی اخبار یهود از ظهور پیامبر آخر الزمان است:

قرطبي مینویسد:

ما يحكى عن ابن الهيثان خبر من أخبار يهود وممن كان ينتهي إليه علمهم وكان فاضلا في دينه ... فقال لليهود يوما ما ترونه أخرجني من الشام أرض الخمر والخمير إلى أرض البؤس والجوع قالوا له أنت أعلم قال فإني قدمت هذه البلدة أتوكف خروج نبي قد أظل زمانه وهذه البلدة مهاجرة فكنت أرجو أن يبعث فأتبعه وقد أظلمكم زمانه فلا تسبقن إليه يا معشر يهود فإنه يبعث بسفك الدماء وسبى الذراري والنساء ممن خالفه فلا يمنعكم ذلك منه.

ابن الهيثان که یکی از اخبار و علمای و فضایی دین یهود بود، روزی به یهودیان گفت: در مورد خارج شدن من از شام که سرزمین شراب و شرابخواری است و رفتن به سرزمین فقر و گرسنگی (مدینه)، نظرتان چیست؟ گفتند: تو دانایتر به این مسأله هستی، ابن هیان گفت: من قطعاً به این شهر میروم، شهری که در آن انتظار خروج پیامبری می رود که اکنون زمان ظهور اوست و آن شهری است که آن پیامبر به آنجا هجرت میکند و من امید دارم وی مبعوث شود و پیروانش نمایم و هم اکنون زمان ظهور او بر شما سایه افکنده است، بر او سبقت نگیرید زیرا او مخالفین خود را میکشد و مردان و زنانشان را اسیر میکند، برخورد او با مخالفانش شما را از پیروی او باز ندارد.

محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح القرطبي أبو عبد الله، الإعلام بما في دين النصارى من الفساد والأوهام وإظهار محاسن الإسلام، ج1، ص 289، محقق: د. أحمد حجازي السقا، ناشر: دار التراث العربي- القاهرة ، سال چاپ: 1398هـ.

اقدامات آن دسته از یهودیانی که مشتاق درک حضور پیامبر اکرم بودند فقط در حد پیش-گویی و مهاجرت به مدینه نبود بلکه چنان مشتاق ظهور آن حضرت بودند که به دشمنان خود



وعده میدادند که اگر آن حضرت ظهور کند، به وسیله او شما را سرکوب میکنیم:

«قرطبي» مینویسد:

فلما تقارب زمان مبعثه كثرت أحاديث الكهان عن نبوته والأخبار بذلك فبشر بقرب ظهوره جماعة من الكهان وأما اليهود فكانت تكون بينها وبين العرب شرور وحروب فربما أصابت العُربُ منهم فكانت اليهود تقول قد قرب زمان نبي سيعث الآن نقتلكم معه.

وقتي زمان بعثت پیامبر خدا صلي الله عليه وآله نزدیک شد، کاهنان در مورد ظهور آن حضرت بسیار سخن میگفتند و جمعی از آنان بشارت میدادند که ظهور ایشان نزدیک شده است؛ اما یهودیان که با عربها اختلاف داشتند و میان آنها جنگ و درگیری بود و گاه از ناحیه عربها ضرباتی بر آنها وارد میشد، به آنان میگفتند: زمان ظهور پیامبری که قرار است مبعوث شود، نزدیک شده است و ما با کمک او شما را سرکوب میکنیم.

الأنصاري الخزرجي القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح شمس الدين، (متوفای: 671هـ)، الإعلام بما في دين النصارى من الفساد والأوهام وإظهار محاسن الإسلام، ج1، ص 289، المحقق: د. أحمد حجازي السقا، الناشر: دار التراث العربي - القاهرة.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، بشارت دادن از ظهور پیامبر توسط مردی یهودی، نه تنها باعث عدم اعتبار روایت فوق نمیشود بلکه در آن زمان امری شایع بوده و قابل پذیرش میباشد. اما در پاسخ به ایراد دوم عرض میکنیم: «یوشک» از افعال مقاربه است ولی زمانی دلالت بر شروع میکند که بر روی خبر آن «أن» ناصبه نیامده باشد و وقتی بر روی خبر آن «أن» ناصبه بیاید، دیگر دلالت بر شروع نمیکند.

ابن مالک در الفیه مینویسد: «و ترک أن مع ذي الشروع وجبا= اگر یکی از افعال مقاربه بخواهد دلالت بر شروع کند، نباید «أن» ناصبه بر سر خبر آن بیاید».

«سیوطي» در شرح این مصرع، مینویسد:

لأنه دالّ علي الحال و أن للإستقبال.

افعالی که معنایشان شروع میباشد، دلالت بر زمان حال میکنند در حالی که «أن» ناصبه دلالت بر زمان آینده میکند (ونمیتوانند در کنار هم بیایند).

جلال الدين عبدالرحمن سيوطي، البهجة المرضية في شرح الألفية، ص115.

«ابن عقيل» درباره اين قاعده بيشتر توضيح ميدهد و مينويسد:

ومعنى قوله وترك أن مع ذي الشروع وجبا أن ما دل على الشروع في الفعل لا يجوز اقتران خبره بأن لما بينه وبين أن من المنافاة لأن المقصود به الحال وأن للاستقبال.

معناي عبارت ابن مالک که گفته است «وترك أن مع ذي الشروع وجبا»، اين است: هر فعلی که دلالت بر شروع میکند جایز نیست بر روی خبر آن «أن» ناصبه بیاید زیرا بین فعلی که دلالت بر شروع میکند و بین «أن» ناصبه، تنافی وجود دارد. چون مقصود از به کار بردن افعال شروع این است که به مخاطب القا کند فعلی که به عنوان خبر آنها در جمله آمده است، در زمان حال رخ میدهد و حال آنکه «أن» ناصبه زمانی به کار برده میشود که فعل بعد از آن قرار باشد در زمان آینده رخ دهد بنابراین هر جا بر روی خبر افعال شروع «أن» ناصبه بیاید دیگر دلالت بر زمان حال نمیکند.

العقيلي المصري الهمداني بهاء الدين عبد الله بن عقيل ، شرح ابن عقيل، ج1، ص337 ، بی تا، بی جا.

در روایت فوق نیز بر روی خبر «یوشک»، «أن» ناصبه آمده است: «یوشک أن یبعث» از این رو «یوشک» دلالت بر شروع نمیکند و معنای عبارت این است «امید است در آینده در شهر شما پیامبری ظهور نماید». بنابراین واژه «یوشک» به اطلاق زمانی روایت مورد نظر ضرری نمیزند و نهایتاً اشتیاق ظهور آن پیامبر رحمت را میرساند.

[1] . ممکن است کسی بگوید: در این نقل، عبارت «سیکون فی بلدکن نبی» آمده است و «سین» در ادبیات عرب دلالت بر آینده نزدیک میکند بنابراین این نقل از نظر زمانی مطلق نیست و دلالت بر آینده نزدیک میکند.

در پاسخ میگوییم: قول صحیح این است که «سین» و «سوف» از نظر معنا مترادف هستند و دلالت بر آینده میکنند و دلالت نمودن بر آینده دور و یا نزدیک را باید از قرینهای خارجی به دست آورد. البته کسانی که قائل هستند وسعت معنا در «سوف» بیشتر است و دلالت بر آینده دور میکند، ریشه نظرشان به این مطلب برمیگردد: «کثرة الحروف تدل على كثرة المعنى» هر گاه کلمهای حروف بیشتری داشته باشد، معنای بیشتری را افاده میکند. اما حقیقت این است که این مسأله شایع نیست و یک قانون کلی و شایعی نیست بلکه گاهی اوقات کلمهای

حروف بیشتری دارد اما معنای بیشتری را افاده نمیکند همانطور که ابن هشام انصاری یکی از بزرگترین علمای نحوی اهل تسنن از این حقیقت پرده برمیدارد و مینویسد: «سوف: مُرادفة للسين، أو أوسعُ منها، على الخلاف، وكأنَّ القائلَ بذلكَ نظرَ الى أنَّ كثرةَ الحروفِ تدلُّ على كثرةِ المعنى، وليسَ بمُطَرِّدٍ». «سوف» با «سين» مترادف است و هر دو واژه دلالت بر آینده میکنند البته کسانی که قائل هستند وسعت معنا در «سوف» بیشتر است و دلالت بر آینده دور میکند، ریشه نظرشان به این مطلب برمیگردد: «كثرة الحروف تدل على كثرة المعنى» هر گاه کلمهای حروف بیشتری داشته باشد، معنای بیشتری را افاده میکند. اما حقیقت این است که این مسأله شایع نیست و از برخی مواردی که اینچنین است نمیتوان قانونی کلی به دست آورد.

ابن هشام الأنصاري، جمال الدين أبو محمد عبدالله بن يوسف ، مغني اللبيب عن كتب الأعراب، ج1، ذیل «سوف».

این نقل از نظر زمانی مطلق است، بنابراین احتمال دارد سالهای زیادی قبل از بعثت پیامبراکرم، آن فرد از ظهور پیامبر آخر الزمان خبر داده باشد.

ممکن است کسی بگوید: در این نقل، عبارت «سیکون فی بلدکن نبی» آمده است و «سين» در ادبیات عرب دلالت بر آینده نزدیک میکند بنابراین این نقل از نظر زمانی مطلق نیست و دلالت بر آینده نزدیک میکند.

در پاسخ میگوییم: قول صحیح این است که «سين» و «سوف» از نظر معنا مترادف هستند و دلالت بر آینده میکنند و دلالت نمودن بر آینده دور و یا نزدیک را باید از قرینههای خارجی به دست آورد. البته کسانی که قائل هستند وسعت معنا در «سوف» بیشتر است و دلالت بر آینده دور میکند، ریشه نظرشان به این مطلب برمیگردد: «كثرة الحروف تدل على كثرة المعنى» هر گاه کلمهای حروف بیشتری داشته باشد، معنای بیشتری را افاده میکند. اما حقیقت این است که این مسأله شایع نیست و یک قانون کلی و شایعی نیست بلکه گاهی اوقات کلمهای حروف بیشتری دارد اما معنای بیشتری را افاده نمیکند همانطور که ابن هشام انصاری یکی از بزرگترین علمای نحوی اهل تسنن از این حقیقت پرده برمیدارد و مینویسد: «سوف: مُرادفة للسين، أو أوسعُ منها، على الخلاف، وكأنَّ القائلَ بذلكَ نظرَ الى أنَّ كثرةَ الحروفِ تدلُّ على كثرةِ المعنى، وليسَ بمُطَرِّدٍ». «سوف» با «سين» مترادف است و هر دو واژه دلالت بر آینده میکنند

البته کسانی که قائل هستند وسعت معنا در «سوف» بیشتر است و دلالت بر آینده دور میکند، ریشه نظرشان به این مطلب برمیگردد: «كثرة الحروف تدل على كثرة المعنى» هر گاه کلمه‌های حروف بیشتری داشته باشد، معنای بیشتری را افاده میکند. اما حقیقت این است که این مسأله شایع نیست و از برخی مواردی که اینچنین است نمیتوان قانونی کلی به دست آورد.

ابن هشام الأنصاري، جمال الدين أبو محمد عبدالله بن يوسف ، مغني اللبيب عن كتب الأعراب، ج1، ذیل «سوف».

نکته‌های که در این نقل حائز اهمیت است، اینست که کلام آن فرد در قلب حضرت خدیجه جای میگیرد.

علاوه بر اینکه برخی از مورخین اهل تسنن نقل میکنند وقتی پیامبر اکرم در اولین روز بعثت از غار حرا به خانه بازگشت و اتفاقاتی را که برایش رخ داده بود برای حضرت خدیجه شرح داد، حضرت خدیجه عرضه داشت:

أبشر فوالله لقد كنت أعلم أن الله لن يفعل بك إلا خيرا وأشهد أنك نبي هذه الأمة الذي تنتظره اليهود ، قد أخبرني به ناصح غلامي وبحيرى الراهب ، وأمرني أن أتزوجك منذ أكثر من عشرين سنة.

بشارت میدهم! به خدا سوگند میدانستم که پروردگار غیر از خیر و نیکی هرگز کاری درباره تو انجام نمیدهد و شهادت میدهم که تو پیامبر این امت هستی که یهود در انتظارش بود، غلامم ناصح و بحیرای راهب به من خبر داده بودند که تو پیامبر هستی و بیش از بیست سال قبل بحیرای راهب به من امر نموده بود که با تو ازدواج کنم.

ابن عساکر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای 571هـ)، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، ج63، ص18، ذیل شرح حال: ورقة بن نوفل، رقم 7971 ، تحقیق: محب الدین ابی سعید عمر بن غرامه العمری، ناشر: دار الفکر - بیروت - 1995.

ابن کثیر الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، البداية والنهاية، ج3، ص21، باب: بدء الوحي، باب: ذکر عمره وقت بعثته و تاریخها(به نقل از ابن عساکر) ، ناشر: مکتبه المعارف - بیروت.

طبق این نقل، حضرت خدیجه سلام الله علیها بیش از بیست سال قبل از بعثت پیامبر، می- دانسته که ایشان پیامبر این امت است و مأمور بوده که با ایشان ازدواج کند. و این مطلب به این معناست که اگر حضرت خدیجه در زمان ازدواج با آن حضرت 25 ساله (1) و یا 28 ساله (2) بوده باشد، قبل از اینکه به سن بیست سال برسد منتظر پیامبر آخرالزمان بوده و مأمور به ازدواج با ایشان بوده است.

1. بیهقی معتقد است بنابر قول صحیح، حضرت خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر 25 ساله بوده است که در ادامه میآید.

2. ابن عماد حنبلی میگوید بسیاری از علما این قول را درباره سن حضرت خدیجه پذیرفتهاند که در ادامه میآید.

از طرفی ابن اثیر نقل میکند بشارت «بحیرای راهب» مبنی بر نبوت پیامبر در 9 سالگی و یا 12 سالگی پیامبر بوده است، وی مینویسد:

وأجمع العلماء ان رسول الله صلى الله عليه وسلم شخص مع عمه أبی طالب إلى الشام بعد موت عبد المطلب ... وكان عمره اثنتي عشرة سنة وقيل تسع سنين والأول أكثر فرآه بحیرا الراهب ورآی علائم النبوة وكانوا يتوقعون ظهور نبي من قريش فقال لعمه ما هذا منك قال ابني قال لا ينبغي أن يكون أبوه حيا قال هو ابن أخي قال انی لأحسبه الذي بشر به عيسى فان زمانه قد قرب فاحتفظ به.

علما اجماع دارند رسول خدا صلي الله عليه وآله بعد از موت عبدالمطلب به همراه عمويش ابوطالب (برای تجارت) به شام میرفت ... و عمر ایشان در آن زمان 12 سال بود و برخی گفتهاند ایشان 9 ساله بوده است اما قول اول را بیشتر قبول دارند، در سفر شام بحیرا پیامبر را دید و نشانهای نبوت را در ایشان مشاهده نمود و این در حالی بود که آنها منتظر ظهور پیامبری از قبيله قريش بودند، بحیرا به عموي پیامبر صلي الله عليه وآله عرض کرد: این فرد چه نسبتی با تو دارد؟ حضرت ابوطالب علیه السلام فرمود: پسر من میباشد، بحیرا گفت: (با علامتهایی که من میبینم) شایسته نیست پدر او در این زمان زنده باشد! حضرت ابوطالب علیه السلام فرمود: وی برادر زاده من است، بحیرا گفت: من گمان میکنم او همان پیامبری است که عیسی بشارت به ظهور او داده است، هم اکنون زمان ظهور او نزدیک است او را حفظ کن... .

ابن أثير الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفى 630هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 1، ص 15، باب: ذكر وفاة أمه وجده وكفالة عمه أبي طالب له، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

در این نقل، ابن اثير ادعاي اجماع میکند که پیامبر در زمان بشارت بحیرا، 9 ساله و یا 12 ساله بوده‌اند حال اگر بحیرا در همان زمان و یا نزدیک به آن، به حضرت خدیجه امر نموده باشد که با این فرد - که نبی آخر الزمان خواهد بود - ازدواج کن، نشان دهنده این است که حضرت خدیجه از 9 و یا 12 سالگی پیامبر صلی الله علیه وآله منتظر ازدواج با ایشان بوده است. و اگر حضرت خدیجه در زمان ازدواج با آن حضرت 25 ساله بوده باشد، - با توجه با اینکه پیامبر نیز در زمان ازدواج 25 ساله بودند، حضرت خدیجه از 9 و یا 12 سالگی خود، منتظر ازدواج با پیامبر بوده است و اگر 28 ساله باشد از 12 و یا 15 سالگی منتظر ازدواج با پیامبر بوده است و اگر 40 ساله باشد از 24 و یا 27 سالگی منتظر ازدواج با پیامبر بوده است.

از طرفی مورخین نقل کرده‌اند «ورقة بن نوفل» پسر عموی حضرت خدیجه و تمامی فامیلهای ثروتمند ایشان، از آن جناب خواستگاری نمودند، اما همگی جواب منفی شنید و موفق نشدند با ایشان ازدواج کنند، با اینکه آنان از نظر فرهنگی و شئون خانوادگی با حضرت خدیجه هم‌تراز بودند.

ابن حجر عسقلانی به نقل از محمد بن سعد مینویسد:

کانت ذکرت لورقة بن عمها فلم یقدر.

«ورقة بن نوفل» پسر عموی حضرت خدیجه از ایشان خواستگاری کرد، ولی موفق نشد با

ایشان ازدواج کند.

ابن حجر عسقلانی، الإصابة في تميز الصحابة، ج 8، ص 100.

اگر چه در ادامه این نقل آمده است که حضرت خدیجه بعد از این ماجرا با ابوهاله و پس از او با عتیق ازدواج نمود، اما مطلب بعید به نظر میرسد زیرا علاوه بر «ورقة» تمامی اقوام ثروتمند قبیله قریش از ایشان خواستگاری نمودند و با پاسخ منفی حضرت خدیجه مواجه شدند و همانطور که در قبل عرض شد، عتابی مبنی بر ازدواج حضرت خدیجه با عتیق و یا ابوهاله که اعرابی از قبیله بنی تمیم بود «و حلیف بنی عبدالدار بودند»، یافت نمیشود. حال سؤال این

است که این دو تن، چه امتیازی و برتری نسبت به تمامی اقوام قریشی ثروتمند حضرت خدیجه داشتند؟! و آیا چنین ازدواجی در جامعه آن روز معقول بود؟

قبیله بنی تمیم قریشی نبودند و با قبیله بنی عبدالدار که از تیره‌های قریش بود، هم پیمان شده بودند.

محمد بن سعد درباره خواستگاری ثروتمندان قریش از حضرت خدیجه، چنین مینویسد:

... نفیسة بنت منیة قالت کانت خدیجة بنت خویلد بن أسد بن عبد العزی بن قصی امرأة حازمة جلدة شریفة مع ما أراد الله بها من الکرامة والخیر وهي یومئذ أوسط قریش نسبا وأعظمهم شرفا وأكثرهم مالا وکل قومها کان حریصا علی نکاحها لو قدر علی ذلك قد طلبوها وبذلوا لها الأموال فأرسلتني دسیسا إلی محمد بعد أن رجع فی غیرها من الشام.

«نفیسة دختر منیه میگوید: خدیجة دختر خویلد زنی هوشمند و دوراندیش و استوار و محکم و شریف بود علاوه بر اینکه خداوند در مورد او کرامت و خیر و خوبی اراده فرموده بود، ایشان در آن زمان در میان (تیره خود در) قبیله قریش از بهترین نسب و بیشترین شرافت و مال فراوانی برخوردار بود، تمامی فامیلهای وی آرزو داشتند که اگر بتوانند، با او ازدواج کنند، همگی از او خواستگاری نموده بودند و وعده اموال زیادی به ایشان داده بودند، اما با این وجود وقتی (حضرت) محمد با کاروان تجاری خدیجه از شام بازگشت، خدیجه مرا مخفیانه پیش او فرستاد که به ایشان پیشنهاد ازدواج با خدیجه را عرض کنم...».

البصری الزهری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله (متوفای 230 هـ)، الطبقات الکبری، ج 1، ص 131، ذکر تزویج رسول الله صلی الله علیه وسلم خدیجة بنت خویلد، دار النشر: دار صادر - بیروت، طبق برنامه الجامع الکبیر

بنابراین آیا جای گرفتن کلام آن مرد «بشارت دهنده بر ظهور پیامبر» در قلب حضرت خدیجه و دستوری که ایشان مبنی بر ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وآله داشته و پاسخ منفی به تمامی خواستگارهای ثروتمند و مطرح قریش، حاکی از انتظار و اشتیاق وی برای ازدواج با پیامبر آخر الزمان نمیشد؟!

شاهد بر این مدعا دو نقل زیر میباشد:

وقتی حضرت خدیجه کلام میسره غلام خود را درباره اتفاقاتی که در راه بازگشت از شام

در مورد پیامبر رخ داده است، می‌شنود، به تکاپو افتاده و سراغ پسر عموی خود که عالم به کتابهای ادیان مختلف بود، میرود.

ابن اسحاق سیره نویس مشهور، گفتگوی خدیجه و ورقه را چنین گزارش میکند:

و قد كانت خديجة بنت خويلد قد ذكرت لورقة بن نوفل بن أسد و كان ابن عمها و كان نصرانيا قد تبع الكتب و علم من علم الناس ما ذكر لها غلامها ميسرة من قول الراهب و ما كان يرى منه إذ كان الملكان يطلانه فقال ورقة : لئن كان هذا حقا يا خديجة إن محمدا لنبي هذه الأمة قد عرفت أنه كائن لهذه الأمة نبي ينتظر هذا زمانه.

وقتي حضرت خديجه گفتار غلامش ميسره «در مورد پیشگویی راهب از نبوت حضرت محمد و سایه افکندن دو ملک بر سر حضرت محمد در راه بازگشت از شام» را برای «ورقه» پسر عموی مسیحیاش (که عالم به کتابهای ادیان مختلف بود و به علم تاریخ و نسب شناسی تسلط داشت) نقل کرد، «ورقه» گفت: اگر این مطالب که گفتم، درست باشد، محمد پیامبر این امت است. من میدانستم که برای این امت پیامبری خواهد بود که انتظار ظهورش میرود و اینک زمان ظهور اوست.

محمد بن إسحاق بن يسار (متوفای 151هـ)، سیره ابن إسحاق (المبتدأ والمبعث والمغازي)،

ج2، ص 94، تحقیق: محمد حمید الله، ناشر: معهد الدراسات والأبحاث للتعريف.

حال که خدیجه یقین پیدا نمود که این فرد همان پیامبر آخرالزمان است، چه بسا خاطره آن عیدی که زنان مکه در زمان جاهلیت برگزار نموده بودند و آن مردی که بشارت ظهور پیامبری را در این دیار داده بود، در ذهنش زنده شد و دریافت که اکنون زمان عمل نمودن به دستور بحیرای راهب مبنی بر ازدواج با پیامبر است، از این رو به سرعت سراغ ابوطالب فرستاد و از او تقاضا کرد که واسطه ازدواج او با محمد پیامبر آخرالزمان گردد.

حلبی در السیره الحلبیه ماجرای مقدمات ازدواج حضرت خدیجه با پیامبراکرم را چنین می-

نگارد:

أن خديجة رضي الله تعالى عنها قالت للنبي صلى الله عليه وسلم إذهب إلى عمك فقل له تعجل إلينا بالغداة فلما جاءها معه رسول الله صلى الله عليه وسلم قالت له يا أبا طالب تدخل على عمي فكلمه يزوجني من ابن أخيك محمد بن عبد الله فقال أبو طالب يا خديجة لا تستهزئي



فَقَالَتْ هَذَا صَنَعَ اللَّهُ فِقَامَ فَذَهَبَ وَجَاءَ مَعَ عَشْرَةٍ مِنْ قَوْمِهِ إِلَى عَمَّهَا.

حضرت خدیجه به حضرت محمد عرض کرد: پیش عمویت برو و به او بگو فردا صبح به سرعت به منزل ما بیاید. وقتی حضرت ابوطالب به همراه رسول خدا به منزل خدیجه رفتند، حضرت خدیجه عرض کرد: ای ابوطالب پیش عمویم برو و با او صحبت کن که مرا به ازدواج برادر زاده‌ها محمد بن عبدالله درآوری، حضرت ابوطالب فرمود: ای خدیجه مرا مسخره نکن، حضرت خدیجه عرض کرد: این ازدواج، کار خداوند است. در این هنگام حضرت ابوطالب برخاست و از منزل خدیجه بیرون رفت و با ده نفر از قوم خود پیش عموی خدیجه رفت.

الحلبی، علی بن برهان الدین (متوفای 1044هـ)، السیرة الحلبیة فی سیرة الامین المأمون، ج 1،

ص 226، ناشر: دار المعرفة - بیروت - 1400.

آری ابوطالب تعجب میکند که زنی از مردی خواستگاری کند اما وقتی جواب حضرت خدیجه را می‌شنود، به این کار اقدام میکند.

نکته دقیقی که در عبارت فوق وجود دارد این است که حضرت خدیجه از ازدواج خود با حضرت محمد، به «صنع الله = کار خداوند» تعبیر میکند. چه بسا این مطلب حاکی از این است که آن فردی که در عید جاهلیت، مقابل چشمان آنها متمثل گشت (فتمثل لهن رجل)، یکی از ملائک بود و این مطلب هیچ استبعادی ندارد زیرا اولاً؛ ماده «مثل» در قرآن برای ملائکه استعمال شده است آنجا که می‌فرماید: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا = ما روح خود را بسوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بعیب و نقص، بر مریم ظاهر شد» ثانیاً؛ رسول خدا فرمود:

أفضل نساء الجنة أربع : خدیجة بنت خویلد ، وفاطمة بنت محمد، و مریم بنت عمران، و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون.

بهترین زنان بهشتی چهار نفرند: خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه وآله و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون.

آدرس این مطلب گذشت.

در این نقل پیامبر نه تنها حضرت خدیجه را در کنار حضرت مریم، زنی بهشتی معرفی می‌نماید، بلکه ایشان را مقدم بر حضرت مریم ذکر میکند. بنابراین همانطور که ملکی الهی در مقابل حضرت مریم ظاهر گشته است، هیچ استبعادی ندارد که در مقابل دیده‌گان حضرت خدیجه نیز

فرشته‌های نمایان گردد.

لذا از آنجایی که آن فرد از ناحیه خداوند آمده بود و کلامش در قلب حضرت خدیجه جای گرفت، آن حضرت از این ازدواج تعبیر به «صنع الله» نمود.

بنابراین تمامی این مطالب حاکی از این است که حضرت خدیجه با تمام وجود در انتظار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و ازدواج با ایشان به سر میبرد. و با این حال ممکن نبوده با افرادی همچون ابوهاله تمیمی و عتیق بن عائذ مخزومی ازدواج نموده باشد.

4- همانطور که در قبل بیان شد، ایشان در زمان جاهلیت به «طاهره» معروف بود و قطعا طاهره در اینجا فقط به معنای دوری ایشان از اعمال منافی عفت نیست زیرا انجام این کارها در میان زنان قریش مرسوم نبوده که بخواهند ایشان را با این لقب از آنها استثناء کنند بلکه اعمال منافی عفت در میان بزرگان قریش امری منفور بوده و به تصریح قرآن برخی از افراد کنیزان خود را مجبور به این کار میکردند (1) و یا افرادی همچون هند جگرخوار و نابغه مادر عمرو بن عاص به این عمل مشهور بودند. بلکه طاهره بودن ایشان به این معناست که از تمامی رجسها و پلیدی‌های جاهلیت به دور بودند.

1. لَا تُكْرَهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَىٰ آلِيٍّ أَوْ نَارِدًا نَحَصًا لِمَا لَبِثْتُمْ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

و کنیزان خود را برای دستیابی متاع ناپایدار زندگی دنیا مجبور به خود فروشی نکنید اگر خودشان میخواهند پاک بمانند! و هر کس آنها را (بر این کار) اجبار کند، (سپس پشیمان گردد)، خداوند بعد از این اجبار آنها غفور و رحیم است!

سوره نور، آیه 33

محمد بن علوی مالکی یکی از علمای معاصر مالکی مذهب نیز به این مطلب تصریح می‌کند:

وقد حفظها الله تعالى من أرجاس الجاهلية ، فأحاط عرض هذه السيدة الزكية وصانه من كل أذية و بلية برعايته وعنايته الباهرة ولذلك كانت تلقب بالسيدة الطاهرة»

خداوند متعال ایشان را از تمامی پلیدیهای جاهلیت حفظ نمود و این بانوی پاک را از هر جهت با خیر و نیکی احاطه نمود و با عنایت نورانی و ویژه خود، او را از هر آزار و سختی و اندوهی

### حفظ نمود و به همین خاطر (در جاهلیت) به «بانوی پاک» ملقب گردید.

السید محمد بن علوی المالکی الحسنی من علماء المسجد الحرام، البشری فی مناقب السیدة خدیجة الكبرى رضی الله عنها، ص 5، بی جا، بی تا.

یکی از مصادیق «رجس»، نطفه مشرک است (1) حال اگر قرار باشد «رحم» حضرت خدیجه سلام الله علیها به عنوان ظرفی برای پرورش حضرت زهرا سلام الله علیها باشد - که اولاً: یکی از مصادیق «اهل البیت» در آیه تطهیر است که خداوند در ابتدای خلقت تکویناً اراده نموده که هر نوع رجس و پلیدی را از ایشان دور کند.

1. خداوند در قرآن از منافقین با عنوان رجس یاد میکند، آنجا که میفرماید: «سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِيُغَرِّبُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجَسٌ وَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». « هنگامی که بسوی آنان بازگردید، برای شما به خدا سوگند یاد میکنند، تا از آنها اعراض (و صرف نظر) کنید از آنها اعراض کنید (و روی بگردانید) چرا که پلیدند! و جایگاهشان دوزخ است، بکیفر اعمالی که انجام مدادند». سوره توبه، آیه 95. وقتی عنوان «رجس» در مورد منافقین صدق کند، این عنوان به طریق اولی در مورد مشرکین نیز صدق میکند زیرا مخالفت با منافقان و محکوم نمودن آنها از آن جهت است که در آنان در ظاهر اظهار توحید میکنند و در باطن مشرکند بنابراین منشأ واقعی محکوم نمودن منافقین، مشرک بودن آنهاست؛ از طرفی خداوند وعده داده است که همه گناهان را جز شرک، میبخشد «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» «خداوند (هرگز) شرک را نمیبخشد! و پایینتر از آن را برای هر کس (بخواهد و شایسته بداند) میبخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است» سوره نساء، آیه 48؛ در آیهای دیگر نیز میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» «خداوند، شرک به او را نمآمرزد (ولی) کمتر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) مآمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است» سوره نساء، آیه 116. بنابراین طبق آیات قرآن، شرک بزرگترین گناه معرفی شده است و با توجه به این مطلب، قطعاً عنوان «رجس» بر آن صادق است و وقتی وجود مشرک، رجس و پلیدی باشد، طبیعتاً نطفه او نیز که جزئی از بدن اوست، رجس و پلیدی است.

و ثانيا: حجت خداوند بر امامان اهل بیت علیهم السلام میباشد (1)، چگونه میتوان پذیرفت که قبل از تولد حضرت زهرا سلام الله علیها، ظرفی برای نطفه دو مشرک قرار گرفته باشد؛ و حال آنکه اگر ذرهای رجس و پلیدی، چه در زمان جاهلیت و چه در زمان اسلام، در اجداد و یا مادر و جده «اهل البیت» باشد، اراده تکوینی الهی در مورد «اهل البیت» علیهم السلام تحقق نیافته است و لذا در زیارت امام حسین علیه السلام که یکی از مصادیق «اهل البیت» در آیه تطهیر است، میخوانیم: «لم تنجسک الجاهلیة بأنجاسها». از این رو خداوند هر گونه رجس و پلیدی را حتی از جده ایشان در زمان جاهلیت دور ساخته است. زیرا مقتضای این عبارت این است که نجاستهای جاهلیت به هیچ نحوی در مورد اهل بیت راه ندارد حتی به نحو اینکه رحم جده آنها ظرفی برای نطفه مشرک باشد.

1. قال الامام عسکری علیه السلام نحن حجج الله علی خلقه ، و جدتنا فاطمه حجه علینا.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ما حجت های خداوندی بر بندگان هستیم و جده ما حضرت فاطمه زهرا، حجت بر ما است.

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج13، ص235.

علی رغم اینکه از عبارت «لم تنجسک الجاهلیة بأنجاسها» به دست میآید که تمامی پدران و مادران اهل بیت علیهم السلام از جمله حضرت خدیجه سلام الله علیها، موحد و یکتا پرست بوده‌اند و ذرهای شرک و کفر در وجود آنها راه نداشته است.

رک: الموسوی الأصفهانی، میرزا محمد تقی (متوفای 1348هـ)، مکمال المکارم فی فوائد الدعاء

للقائم (علیه السلام)، ج1، ص 368 و ص 371 ، تحقیق العلامة السید علی عاشور، ناشر:

مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بیروت - لبنان، الطبعة الأولى 1421 هـ - 2001 م

السید الخمینی، انوار الهدایة، ج1، ص 83 ، مؤسسة تنظیم ونشر آثار الإمام الخمینی

، الطبعة: الأولى ، ذی القعدة 1413 - 1372 ش.

حال سؤال این است که چگونه ممکن است یک زن موحد با مردان مشرک ازدواج نموده باشد؟!

و چگونه ممکن است امامان اهل بیت علیهم السلام از رحمی که با پلیدیهای جاهلیت آلوده شده

باشد، متولد شوند؟!

**سن حضرت خدیجه سلام الله علیها هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله**

در مورد سن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در زمان ازدواج با حضرت خدیجه سلام الله علیها بین مورخین اختلاف است. قول مشهور این است که آن حضرت در زمان ازدواج 25 ساله بوده اند.

البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفای 230 هـ)، الطبقات الكبرى ، ج1، ص 131 ، دار النشر : دار صادر - بيروت ، طبق برنامه الجامع الكبير.

الحميري المعافري، ابو محمد عبد الملك بن هشام بن أيوب (متوفای 213 هـ)، السيرة النبوية، ج2، ص 5، باب: حديث تزويج رسول الله خديجة رضي الله عنها ، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، ناشر: دار الجيل، الطبعة: الأولى، بيروت - 1411 هـ..

ابن أثير الجزري، عز الدين بن الأثير أبي الحسن علي بن محمد (متوفای 630 هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج7، ص90 ، تحقيق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

درباره سن حضرت خدیجه سلام الله علیها در هنگام ازدواج با آن حضرت نیز نظرات مختلفی وجود دارد برخی مانند بیهقی ایشان را 25 ساله می دانند.  
بیهقی می گوید:

... بلغت خديجة خمسا وستين سنة، ويقال: خمسين سنة، وهو أصح.

(بعد از فوت عبدالله فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله) بعضی می گویند: سن حضرت خدیجه (در هنگام وفات) 65 ساله بود و برخی دیگر گفته‌اند در آن وقت ایشان 50 ساله بوده است که قول صحیح هم همین است.

البیهقی، أبي بكر أحمد بن الحسين بن علي (متوفای 458 هـ)، دلائل النبوة، ج2، ص 71 ، طبق برنامه الجامع الكبير.

وي در جای دیگر می نویسد:

أن النبي تزوج بها وهو ابن خمس وعشرين سنة قبل أن يبعثه الله نبياً بخمس عشرة سنة. ازدواج رسول خدا صلی الله علیه وآله با حضرت خدیجه سلام الله علیها 15 سال قبل از بعثت بوده است.

رک: البیهقی، أبي بكر أحمد بن الحسين بن علي (متوفای 458 هـ)، دلائل النبوة، ج2، ص 72 ،

طبق برنامه الجامع الكبير.

بنابراین طبق قول بیهقی وقتی ایشان در زمان وفات یعنی سال دهم بعثت، 50 ساله باشند و 15 سال قبل از بعثت هم ازدواج نموده باشند با این حساب سن حضرت خدیجه در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 25 سال بوده است.  
ابن عماد حنبلی معتقد است بسیاری از علما سن ایشان را در زمان ازدواج 28 سال می دانند.

نویسنده شذرات الذهب می گوید:

و رجح کثیرون أنها ابنة ثمان وعشرين.

بسیاری از علما قول 28 ساله بودن حضرت خدیجه را در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترجیح داده اند.

العکری الحنبلی، عبد الحی بن أحمد بن محمد (متوفای 1089هـ)، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج 1، ص 14، حوادث سال 11، تحقیق: عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤوط، ناشر: دار بن کثیر - دمشق، الطبعة: الأولى، 1406هـ.

حاکم نیشابوری نیز فقط همین قول را برای ابن اسحاق (سیره نویس مشهور) نقل می کند.

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای 405 هـ)، المستدرک علی الصحیحین، المستدرک علی الصحیحین ج 3، ص 200، ح 4837، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، 1411هـ - 1990.

ابن عساکر و ذهبی و مرحوم إربلی به نقل از ابن عباس می گویند: خدیجه سلام الله علیها در زمان ازدواج با آن حضرت 28 ساله بود.

ابن عساکر الدمشقی الشافعی، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای 571هـ)، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمثال، ج 3، ص 193، تحقیق: محب الدین أبي سعید عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بیروت - 1995.

الذهبي الشافعی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج 2، ص 111، ذیل ترجمه خدیجه ام المؤمنین، رقم 16، تحقیق: شعيب الأرناؤوط،

محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفى 693هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج2، ص135، باب: فصل في مناقب خديجة، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، 1405هـ - 1985م.

«مونتگمري وات» شرق شناس مشهور در این زمينه چنين مي نويسد:

من المعروف طبيا أن المرأة التي عاشت حياة زوجية سليمة و تكررت ولادتها يمكنها أن تستمر في ال انجاب الى سن متأخرة. و لكن من المعروف طبيا أيضا أن المرأة المرضع لا تحمل عادة، و على هذا فان الفترة بين الحملين لمن تقل عن عامين حتى يتم فصال الطقل. فالقول بأن السيدة خديجة كانت تلد كل عام قول مشكوك فيه طبيا، و الأقرب الى التصديق أن يكون كل عامين، فتكون الفترة التي أنجبت فيها الأبناء السبعة 14 عاما (السنة 12) فلو كانت تزوجت و هي في الأربعين كما يقول حكيم ابن حزام لكان عمرها في الحمل الأخير 54 عاما على الأقل و هو أمر مستبعد الى درجة كبيرة كما يقول المؤلف، و بذلك يكون قول عبد الله بن عباس رضي الله عنهما أن عمرها كان 28 عاما أقرب الى التصديق. و الله أعلم- (المترجم). ثم انها لو كان عمرها عند الزواج أربعين لما كان ينتظر أن تخطب لنفسها شابا عمره 25 سنة لأنه في هذه الحال في عمر أولادها، فما كان شرفها يسمح لها بذلك- (المراجع).

معروف در علم طب این است، زني که زندگي زناشويي سالمی داشته باشد، و به دفعات فرزند به دنیا آورده باشد، ممکن است که در سن بالا قدرت بارداري داشته باشد. همچنين آنچه در علم طب معروف است، این است زن شیرده باردار نمی شود. بنابراین پس زمان بين دو زایمان باید حداقل دو سال باشد تا بچه کامل شود. پس قول به اینکه [حضرت] خديجه هر سال یک بار بچه به دنیا می آورد، از منظر طب، کلام مشکوکي است و آنچه به واقعیت نزدیک است این است که هر دو سال یک بار بوده است پس مدت زمانی که امکان بارداري برای هفت فرزند بوده است، چهارده سال می شود. اگر ایشان [بر فرض] چنانچه حکيم بن حزام گفته است در سن چهل سالگي ازدواج کرده باشد، باید سن ایشان در بارداري ایشان حداقل پنجاه و چهار سال باشد که این حرفي بسیار بعیدي است برای کسی که به این سن رسیده چنان چه مولف گفته است. و از این باب، کلام عبدالله بن عبد الله بن عباس که گفته است [حضرت] خديجه در بیست

و هشت سالگي [ازدواج] کرده است، بیشتر به واقع نزدیک تر است. والله اعلم. مترجم کتاب مي نويسد: اگر قرار باشد که سن ایشان در هنگام ازدواج چهل سال باشد، نبايد منتظر جواني باشد تا خودش را به ادواج با او در آورد چرا که او سنا به منزله ي فرزند اوست در حالي که شرافت [حضرت] خديجه اجازه چنين کاري را نمي دهد.

مونتگمري وات، محمد في مكة، پاورقي ص100، مترجم : عبد الرحمن عبد الله شيخ حسين عيسى (المشرف العام ا. د. سمير سرحان، رئيس التحرير ا. د. محمد عناني، مدير التحرير عزت عبد العزيز، المشرف الغنى محسنة عطية، سكرتير التحرير هند فاروق، تصحيح محمد حسن بدر شفيق).

مرحوم إربلي در جاي ديگر به نقل از ابن حماد مي فرمايد:

حضرت خديجه سلام الله عليها در زمان ازدواج با آن حضرت 28 ساله بود.

رك: الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (متوفى 693هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج2، ص133، باب: فصل في مناقب خديجة، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، 1405هـ - 1985م.

البته اقوال ديگري مانند «35، 44، 45» «40، 30، 46، 48، 50» سال در مورد سن ایشان در وقت ازدواج با رسول خدا صلي الله عليه وآله ذکر شده است. در ميان اين هشت قول، عده-اي 40 ساله بودن حضرت خديجه سلام الله عليها را در زمان ازدواج با پيامبر اکرم صلي الله عليه وآله پذيرفته اند که با بررسي دقيق درمي يابيم که اين قول، به گفته برخي از مورخين اهل تسنن همچون حاکم نيشابوري، قولي شاذ است به اين بيان که ابن حجر عسقلاني يکي از استوانههاي علمي اهل تسنن، معتقد است که بنا بر قول صحيح، حضرت رسول صلي الله عليه وآله 25 سال با حضرت خديجه سلام الله عليها زندگي نمودند.

رك: العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج7، ص 100، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

حاکم نيشابوري نيز 65 ساله بودن حضرت خديجه سلام الله عليها را در هنگام وفات، قولي شاذ ميداند:

عن هشام بن عروة قال توفيت خديجة بنت خويلد رضي الله عنها وهي ابنة خمس وستين



سنة هذا قول شاذ فإن الذي عندي أنها لم تبلغ ستين سنة.

هشام از پدرش عروة بن زبير نقل مي کند که حضرت خديجه در زمان وفات 65 ساله بود. وي در ادامه مي نويسد: قول به 65 سالگي ايشان، قولی شاذ است و به نظر من سن حضرت خديجه در زمان وفات به 60 سال نرسیده بود (چه برسد به 65 سال).

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای 405 هـ)، المستدرک علي الصحيحين، ج3، ص 201 ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، 1411هـ - 1990

با این تفصیل قول به 40 سالگي ايشان در زمان ازدواج، زیر سؤال مي رود و وقتی قول به 65 سالگي ايشان قولی شاذ شد، طبیعتاً قول به 40 سالگي ايشان نیز شاذ مي شود و در نتیجه سن مبارک ايشان در زمان ازدواج با پیامبر اکرم صلي الله عليه وآله، قطعاً 40 سال نبوده است.

جهت اطلاع بیشتر رک:

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، السيرة النبوية، ج1، ص 265، باب: عمره حين تزوج خديجة - ما كان يشتغل به حين الزواج، طبق برنامه الجامع الكبير. ابن عساكر الدمشقي الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله، (متوفای 571هـ)، تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، ج3، ص190، باب: صفة خلقه و معرفة خلقه ، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ناشر: دار الفكر - بيروت - 1995.

النووي الشافعي، محيي الدين أبو زكريا يحيى بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای 676 هـ)، تهذيب الأسماء واللغات، شرح حال خديجة أم المؤمنين، رقم: 1159 ، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1996م.

المقريزي، تقي الدين أحمد بن علي بن عبد القادر بن محمد (متوفای 845 هـ)، إمتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه وسلم من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، ج6، ص 28، أم المؤمنين خديجة بنت خويلد، تحقيق وتعليق محمد عبد الحميد النميسي، ناشر: منشورات محمد علي بيضون دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، 1420 هـ - 1999م .

البته حاکم مشخص نمی کند که نظر قطعی خودش در مورد سن حضرت خدیجه سلام الله علیها در زمان ازدواج با حضرت رسول صلی الله علیه وآله 30 و یا 28 و یا 25 سال است یا خیر؟.

### خواستگاری حضرت خدیجه سلام الله علیها

همانطور که گذشت، حضرت خدیجه سلام الله علیها از بهترین بانوان قریش بود که از حیث شرافت خانوادگی و درایت و زیبایی و ثروت زبانزد همگان بود و او را سیده زنان قریش می خواندند و تمامی بزرگان قومش در حسرت ازدواج با او بودند ولی چون معیارهای ازدواج را در آنها مشاهده نمی کرد، حاضر به ازدواج با هیچ کدام از آنها نشد. اما به محض اینکه کرامت اخلاقی و پاکي نفس و امانتداری و صفات عالی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله را مشاهده کرد به ایشان رغبت پیدا نموده و خود پیش قدم گردید و به (حضرت) محمد امین صلی الله علیه وآله ابراز علاقه نمود؛ چنانچه حضرت خدیجه سلام الله علیها در اولین گفتگوی خود با پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله علت علاقه خود را چنین بیان می کند:

إني قد رُغِبْتُ فيك لقرابتك مني، وشرفك في قومك، وأمانتك عندهم، وحسن خلقك،  
وصدق حديثك.

من به تو علاقه مند شدم، زیرا با من خویشاوندی، در میان قومت شریفی، نزد قبیله ات به امانت داری مشهوری، دارای اخلاق نیک می باشی و راستگو هستی.

ابن اثیر الجزری، عز الدین بن الأثیر أبي الحسن علي بن محمد (متوفای 630هـ)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج7، ص91، تحقیق: عادل أحمد الرفاعي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

ابن کثیر الدمشقی، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، البداية والنهاية، ج2، ص358، باب: تزویجه علیه الصلاة والسلام خدیجة بنت خویلد، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

حضرت رسول صلی الله علیه وآله داستان را با حضرت ابوطالب علیه السلام مطرح نمود و به همراه ایشان و دیگر عموهایش برای خواستگاری پیش ولی حضرت خدیجه یعنی عمویش عمرو بن أسد رفتند زیرا پدر حضرت خدیجه در جنگ فجار و یا قبل از آن از دنیا رفته بود.

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفى 774هـ)، البداية والنهاية، ج2، ص 361، باب: تزويجه عليه الصلاة والسلام خديجة بنت خويلد، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

الحلبي، علي بن برهان الدين (متوفى 1044هـ)، السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون، ج1، ص225، ناشر: دار المعرفة - بيروت - 1400.

حضرت ابوطالب عليه السلام فرمود:

سپاس خداوند این خانه را که ما را از ریشه ابراهیم و نسل اسماعیل قرار داد و ما را در حرم امن خود قرار داد و سروري مردم را به ما عطا نمود و ما را در شهرمان مبارک گردانید. سپس فرمود: این برادر زاده ام - یعنی رسول خدا صلي الله عليه وآله - از همه مردان قریش برتر است و هیچ یک از آنان با او برابري نمیکند و هیچ مردی با او مقایسه نمیشود مگر اینکه برادر زاده ام از او بالاتر است و در میان خلائق الهی مثل و مانند برایش نیست اگرچه از نظر مالی، اموال زیادی ندارد، (ولي این مهم نیست) زیرا مال دنیا ماندنی نیست و سایه ای زودگذر است، او به خدیجه علاقه مند است لذا **با رضایت خدیجه و امر او**، برای خواستگاری به سوی تو آمده ایم و مهریه او را نیز من به عهده می گیریم که اگر بخواهید فوری به شما می دهیم و اگر بخواهید مهریه را به تأخیر میاندازیم. و به خدای این خانه قسم برای او بهره ای بزرگ و دینی فراگیر و رأی و نظری کامل است... سپس حضرت خدیجه خطاب به عموی خود فرمود: ای عمو اگر چه شما نسبت به من بر خودم در شهادت دادن برتری اما بر من (و تصمیم گیری برای من) نسبت به خودم برتر نیستی، (سپس رو به حضرت محمد صلي الله عليه وآله نمود و عرضه داشت:) ای محمد من تو را به همسری خود برگزیده ام و مهریه را هم خود به عهده می گیرم... (هنگامی که عدهای سخن حضرت خدیجه - که مهریه را در مال خود قرار داده بود - به تمسخر گرفته و با شگفتی گفتند: چگونه زنان مهریه را متعهد می شوند؟! حضرت ابوطالب علیه السلام خشمگین شده و برخاست - و این در حالی بود که مردان قریش از غضب او می ترسیدند و کراهت داشتند که او غضبناک شود - و فرمود: اگر مردی همانند برادر زاده ام باشد، او را با بیشترین مهر خواستار می شوند؛ اما اگر مردی همانند شماها باشد، طبیعی است که باید برای ازدواج، مهر سنگینی بپردازد....

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج5،

ص 374 - 375، باب: خطب النكاح، ج 9، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

با اندکي اختلاف در:

العسكري، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران (متوفى 395 هـ)،  
الأوائل للعسكري، ج 1، ص 29، طبق برنامہ الجامع الكبير.

الحلبي، علي بن برهان الدين (متوفى 1044 هـ)، السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون،  
ج 1، ص 226، ناشر: دار المعرفة - بيروت - 1400.

در مورد مقدار مهریه آن بانوي اقوال متعددي وجود دارد برخي معتقدند مهریه ایشان (12)  
اوقیه و یک نش) طلا بوده است و برخي معتقدند مهریه ایشان 20 شتر جوان بوده است.

**نکته:** هر اوقیه 40 در هم طلاست و «نش» هم معادل 20 درهم طلاست یعنی مجموع مهریه  
ایشان طبق این قول 500 درهم طلا بوده است. السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون، پیشین،  
ج 1، ص 226.

بدین ترتیب رسول خاتم صلی الله علیه وآله و خدیجه طاهره سلام الله علیها با هم ازدواج  
نموده و پانزده سال قبل از بعثت آن حضرت، زندگی مشترک و نورانی خود را آغاز نمودند.

النسائي، ابو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (متوفى 303 هـ)، السنن الكبرى، ج 2، ص 72،  
تحقیق: د. عبد الغفار سليمان البنداري، سيد كسروي حسن، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت،  
الطبعة: الأولى، 1411 - 1991.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، فتح الباري شرح  
صحيح البخاري، ج 7، ص 100، باب تزويج النبي صلى الله عليه وسلم خديجة وفضلها، تحقيق:  
محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

نکته:

قول مشهور این است که آن حضرت 15 سال قبل از بعثت ازدواج نموده است ولي اقوال  
دیگري نیز در این زمینه وجود دارد: ابن جریج معتقد است پیامبر اکرم در 37 سالگی یعنی سه  
سال قبل از بعثت با حضرت خدیجه ازدواج نموده است.

**رک:** الهيثمي، ابوالحسن علي بن أبي بكر (متوفى 807 هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 9،  
ص 219، ناشر: دار الريان للتراث/ دار الكتاب العربي - القاهرة، بيروت - 1407 هـ.

ابي هلال عسكري مي نويسد:

برخي معتقدند رسول خدا در 35 سالگي - يعني 5 سال قبل از بعثت - ازدواج نمود.

العسكري، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعيد بن يحيى بن مهران (متوفای 395هـ)،  
الأوائل للعسكري، ج1، ص28، طبق برنامه الجامع الكبير.

ابن حجر عسقلاني معتقد است که قول صحيح اين است که حضرت رسول 25 سال با  
حضرت خديجه زندگي نمودند و حضرت خديجه 10 سال بعد از بعثت پیامبر از دنيا رفتند. اين  
عبارت ابن حجر به اين معناست که قول صحيح اين است که حضرت خديجه 15 سال قبل از  
بعثت با رسول خدا ازدواج نموده است.

رک: العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباري شرح  
صحيح البخاري، ج 7 ص 100، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

حضرت خديجه کبری سلام الله عليها اولين زني است که به رسول خدا صلي الله عليه  
وآله ايمان آورد و ايمان خود را با اقرار به ولايت اميرالمؤمنين عليه السلام و بيعت با ايشان به  
درجه کمال رسانيد.

المجلسي، محمد باقر (متوفای 1111هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج18، ص  
232-233، تحقيق: محمد الباقر البهودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية  
المصححة، 1403هـ - 1983م.

ايشان 25 سال با رسول خدا صلي الله عليه وآله زندگي کرد. سرانجام خورشيد عمر  
ايشان در رمضان سال دهم بعثت غروب کرد و پيکر پاکش در مکه در منطقه حجون مدفون گرديد.  
العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباري شرح  
صحيح البخاري، ج7، ص 100، باب تزويج النبي صلى الله عليه وسلم خديجة وفضلها، تحقيق:  
محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابوعمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفای 463هـ)،  
الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج4، ص 1818، ذيل ترجمه (حضرت) خديجه بنت خويلد، رقم 3311  
، تحقيق: علي محمد الجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ.

نکنه:

ابن عبدالبر معتقد است حضرت رسول 24 سال با حضرت خدیجه زندگی کرده‌اند. در مورد روز وفات ایشان اقوالی همچون اول رمضان، دهم رمضان، دوازده رمضان، بیست و سوم رجب، بیست و هفتم رجب و آخر رجب، وجود دارد.

علی اکبر، مروج خراسانی (مروج الإسلام)، نفاث العلام، ص 191، بی جا، بی تا. البته درباره سال وفات ایشان اقوال دیگری نیز وجود دارد برخی معتقدند ایشان شش و یا پنج و یا چهار سال قبل از هجرت از دنیا رفت. ابن عبد البر النمري القرطبي المالکي، ابوعمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفای 463هـ)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج 4، ص 1825، ذیل ترجمه (حضرت) خدیجه بنت خویلد، رقم 3311، تحقیق: علی محمد البجاوي، ناشر: دار الجیل - بیروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ..

### فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از حضرت خدیجه

در مورد تعداد فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از حضرت خدیجه سلام الله علیها بین مورخین اهل تسنن اختلاف وجود دارد.

برخی معتقدند: ایشان 3 پسر به نامهای قاسم و طیب و طاهر، و چهار دختر به نامهای زینب، رقیه، أم کلثوم و فاطمه به دنیا آورد.

ابن کثیر الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، البداية والنهاية، ج 2، ص 359، ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

برخی دیگر معتقدند: فرزندان ایشان به ترتیب عبارتند از: قاسم، زینب، عبد الله، أم کلثوم، فاطمه و رقیه.

ابن کثیر الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774هـ)، البداية والنهاية، ج 2، ص 359، ناشر: مكتبة المعارف - بیروت.

بعضی می گویند: تنها پسر حضرت رسول و حضرت خدیجه، قاسم بود.

البیهقي، أبي بكر أحمد بن الحسين بن علي (متوفای 458هـ)، دلائل النبوة، ج 2، ص 68، طبق برنامه الجامع الكبير.

اما حقیقت مطلب این است که طیب و طاهر لقب عبدالله بوده است زیرا همانطوری که

ابن سعد مي گوید او در زمان اسلام به دنیا آمد از این رو او را طیب و طاهر نامیدند. (1)  
البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفای 230 هـ)، الطبقات الكبرى ، ج 1،  
ص133، باب: ذكر أولاد رسول الله صلي الله عليه وسلم ، دار النشر : دار صادر - بيروت ، طبق برنامه  
الجامع الكبير.

ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفای 463 هـ)،  
الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج4، ص 1819، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل -  
بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ.

1. البصري الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله (متوفای 230 هـ)، الطبقات الكبرى ، ج 1،  
ص133، باب: ذكر أولاد رسول الله صلي الله عليه وسلم ، دار النشر : دار صادر - بيروت ، طبق برنامه  
الجامع الكبير

ابن عبد البر النمري القرطبي المالكي، ابو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر (متوفای 463 هـ)،  
الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج4، ص 1819 ، تحقيق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل -  
بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ.

نکته:

ابن عبد البر مي گوید: قول اكثر اهل نسب اين است كه عبدالله فرزند رسول خدا- سه نام  
داشت: عبدالله، طيب، طاهر). البته زبير بن بكار قايل است كه عبدالله در دوران نبوت و قبل از بعثت  
از دنيا رفته است و بعثت آن حضرت را درك نكرده است.

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفای 774 هـ)، البداية والنهاية،  
ج2، ص359 ، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت.

عده اي از علمای شيعه نيز معتقدند حضرت رسول صلي الله عليه و آله از حضرت خديجه  
سلام الله عليها دو پسر به نامهاي قاسم و عبدالله (كه ملقب به طيب و طاهر بود)، و چهار دختر  
به نامهاي زينب، رقيه، أم كلثوم و فاطمة داشت.

الطبرسي، أبي علي الفضل بن الحسن (متوفای 548 هـ)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج1، ص  
275، ( الفصل الأول ) في ذكر أزواجه وأولاده صلوات الله عليه وآله ، تحقيق و نشر: تحقيق مؤسسة  
آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، الطبعة : الأولى، 1417 هـ .

اما حقيقت مطلب اين است كه زينب و رقيه همان طور كه گفتيم فرزندان قبلي شوهر هاله خواهر حضرت خديجه بودند. وام كلثوم نيز بعيد نيست همان ربيبه پيامبر اكرم صلي الله عليه وآله يعني فرزند ام سلمه باشد كه بعدا وي را به عنوان فرزند رسول خدا صلي الله عليه وآله ذكر کرده اند.

رك: الكوفي، أبي القاسم علي بن أحمد بن موسى (متوفاي352هـ)، الاستغاثة في بدع الثلاثة، ج1، ص68-69، طبق برنامه مكتبه اهل البيت عليهم السلام.

ابن شهر آشوب، رشيد الدين أبي عبد الله محمد بن علي السروي المازندراني (متوفاي588هـ)، مناقب آل أبي طالب، ج1، ص138، فصل في أقربائه وخدامه، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدرية، 1376هـ - 1956م.

اما آنچه كه مسلم است اين است كه به غير از حضرت زهرا سلام الله عليها همگي فرزندان رسول خدا صلي الله عليه وآله در دوران حيات ايشان از دنيا رفتند.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفاي742هـ)، تهذيب الكمال، ج1، ص192، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400هـ - 1980م.

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفاي764هـ)، الوافي بالوفيات، ج1، ص79، تحقيق أحمد الأرنؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - 1420هـ - 2000م.

درود بر روح مطهر مادر مؤمنان، حضرت خديجه كبري سلام الله عليها.

والسلام عليكم

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقيقاتي حضرت ولي عجل الله تعالي فرجه الشريف